



اصول مواجهه امام جمعه با مخالفان با تأکید بر سیره تربیتی و مدیریت اجتماعی نبوی و علوی

رسول احمدی ✓



چکیده

یکی از مهم‌ترین تحولات تاریخ معاصر، شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان انقلابی مبتنی بر معارف غنی اسلام و آموزه‌های وحیانی است. این نظام، همانند هر حاکمیت دیگری، در عرصه بین‌الملل با طیفی از مخالفان مواجه بوده است که در سطوح و اشکال مختلف، مشروعیت، کارآمدی و نفوذ آن را هدف قرار می‌دهند. در چنین شرایطی، نحوه مواجهه با مخالفان، به‌ویژه برای کارگزاران دینی و اجتماعی نظام اسلامی همچون امامان جمعه، از اهمیتی مضاعف برخوردار است؛ زیرا امام جمعه در جایگاه هدایت‌گر فکری، تربیتی و مدیر اجتماعی، نقشی تعیین‌کننده در تنظیم مناسبات جامعه با جریان‌های مخالف و مدیریت تعارضات اجتماعی ایفا می‌کند. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف تبیین اصول مواجهه امام جمعه با مخالفان با تأکید بر سیره تربیتی و مدیریت اجتماعی نبوی و علوی سامان یافته است. این پژوهش، با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه به منابع کتابخانه‌ای، درصدد آن است که نخست اصول مواجهه با مخالفان را از رهگذر آیات قرآن کریم و سیره پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) استخراج کند و سپس ظرفیت‌های کاربردی آن را در کنش اجتماعی و تربیتی امام جمعه تبیین نماید. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مواجهه با مخالفان در الگوی اسلامی، نه بر مبنای سلايق شخصی و واکنش‌های انفعالی، بلکه بر پایه اصولی چون مدارا، تبیین، روشن‌نگری و تفکیک میان مراتب مخالفت، دعوت و اقناع، جذب حداکثری، و در عین حال، قاطعیت در برابر معارضة براندازانه و سازمان‌یافته استوار است.

واژگان کلیدی: اصول، مواجهه، امام جمعه، مخالفان، مدیریت اجتماعی.

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران تجربه‌ای بدیع و استثنایی در تاریخ سیاسی معاصر است که توانسته حکومت دینی را با مشارکت عمومی، در قالب سازوکارهایی نظیر انتخابات، شوراهای نماز جمعه درهم آمیزد و در طول بیش از چهار دهه، الگوی متمایزی از نظام سیاسی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی را به استمرار رساند. این نظام با طرح مفهوم مردم‌سالاری دینی، تفسیری نو از رابطه دین و سیاست عرضه کرده و در دو سطح نظری و عملی، الگوهای مسلط سکولار و لیبرال را به مصاف طلبیده است. با تحکیم و توسعه این نظام، مخالفت‌های گوناگونی در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی ظهور یافت. مقاومت جمهوری اسلامی در مقابل سلطه‌گری قدرت‌های جهانی و دفاع از استقلال سیاسی و فرهنگی خویش، بستر شکل‌گیری طیف‌های متنوعی از مخالفت‌ها در حوزه‌های فکری، فرهنگی، رسانه‌ای و سیاسی را فراهم آورد. این وضعیت، یادآور شرایط عصر نبوی در مدینه است که پیامبر اکرم (ص) با گروه‌های مختلفی از مخالفان -اعم از مشرکان، اهل کتاب و منافقان- روبه‌رو بود و در تعامل با آنان، از شیوه‌های متنوعی چون گفت‌وگو، نصیحت، مدارا، روشن‌نگری و در مواقع ضروری، برخورد قاطع استفاده می‌نمود.

در ساختار جمهوری اسلامی، یکی از حساس‌ترین عرصه‌های تعامل با جریان‌های فکری و سیاسی، نهاد نماز جمعه و موقعیت «امام جمعه» است.

امام جمعه، فراتر از نقش عبادی، کارکردی تربیتی، فرهنگی و اجتماعی دارد و به‌عنوان نماینده رهبری در هر منطقه، نقش بنیادینی در هدایت افکار عمومی، مدیریت اختلافات اجتماعی و تبیین مواضع نظام ایفا می‌نماید؛



بروز اعتراض‌ها و نقدهای گوناگون مواجهه است. در چنین فضایی، هرگونه مواجهه غیرمدرانه یا هیجانی می‌تواند به تعمیق شکاف‌های اجتماعی و افزایش بی‌اعتمادی عمومی بینجامد. ازاین‌رو، تبیین چارچوبی مستند، عقلانی و مبتنی بر آموزه‌های دینی و سیره مدیریتی نبوی و علوی، برای تعامل با مخالفان، ضرورتی راهبردی در مدیریت فرهنگی و اجتماعی جامعه به‌شمار می‌آید.

روش پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعه اسنادی است. ابتدا با بررسی آیات قرآن، روایات معتبر و گزارش‌های تاریخی از سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام اصول تعامل با مخالفان استخراج و دسته‌بندی می‌شود. در این مرحله، با استفاده از تحلیل محتوای کیفی، مفاهیم کلیدی شناسایی شده و چارچوب مفهومی مواجهه با مخالفت‌ها ترسیم می‌گردد. سپس با تحلیل گفتمانی سیره عملی پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه و سیره حکومتی امیرالمؤمنین علیه السلام در دوران خلافت، مؤلفه‌های مدیریتی و تربیتی رفتار آنان استخراج می‌شود. در پایان، با تلفیق یافته‌های دینی و تاریخی، الگویی منسجم و کاربردی برای تعامل امام‌جمعه با مخالفان ارائه می‌گردد که قابلیت بهره‌گیری در مدیریت فرهنگی و اجتماعی را دارا است.

پیشینه تحقیق

بررسی منابع موجود درباره اصول مواجهه با مخالفان نشان می‌دهد که علی‌رغم تصور اولیه مبنی بر وجود آثار گسترده در این زمینه، بخش عمده پژوهش‌ها بیش از آنکه بر نصوص اصیل دینی همچون قرآن و روایات و نهج‌البلاغه مبتنی باشند، برگزارش‌های تاریخی استوار شده‌اند و کمتر به استخراج اصول بنیادین از متون اصلی پرداخته‌اند؛ درحالی‌که پژوهش حاضر بر تحلیل

ازاین‌رو، شیوه تعامل امام‌جمعه با مخالفان -اعم از منتقدان، مخالفان فکری و جریان‌های معاند- از حساس‌ترین مباحث در حوزه مدیریت اجتماعی به‌حساب می‌آید. افراط در برخورد می‌تواند به تشدید دوقطبی‌های اجتماعی و فرسایش سرمایه اجتماعی منجر شود. تفریط نیز ممکن است به تضعیف اقتدار فرهنگی و هنجاری نظام بینجامد.

مسئله‌محوری این پژوهش آن است که امام‌جمعه در تعامل با مخالفان، بر مبنای منابع دینی و با تأکید بر سیره تربیتی و مدیریت اجتماعی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام باید از چه اصولی تبعیت کند و چه مراحلی را طی نماید؟ این تحقیق در صدد است که نشان دهد سیره سیاسی و تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام همسو با تعالیم قرآنی و روایی، الگویی منسجم، مرحله‌بندی‌شده و اخلاق‌محور برای تعامل با مخالفان ارائه می‌دهد؛ الگویی که در آن، اصل بر روشنگری، اقناع، نصیحت و مدارا است و برخورد قاطع، تنها در صورت ضرورت و پس از اتمام حجت صورت می‌پذیرد.

اهمیت این پژوهش از چند منظر قابل تبیین است. نخست آنکه نهاد نمازجمعه یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های رسمی تبیین گفتمان انقلاب اسلامی و حلقه ارتباط مستقیم حاکمیت با مردم به‌شمار می‌آید. خطبه‌های نمازجمعه صرفاً یک آیین عبادی نیست؛ بلکه رسانه‌ای گسترده و اثرگذار در جهت‌دهی به افکار عمومی و شکل‌دهی به نگرش‌های اجتماعی و سیاسی جامعه محسوب می‌شود؛ براین اساس، شیوه مواجهه امام‌جمعه با مخالفان می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در کاهش یا تشدید تنش‌های اجتماعی داشته باشد. دوم آنکه جامعه معاصر ایران با پدیده‌هایی همچون جنگ شناختی، گسترش شبکه‌های اجتماعی، تکثر رسانه‌ای و

مفهوم‌شناسی

اصول

واژه «اصل» در لغت به معنای ریشه، منشأ، بنیاد و اساس هر چیز آمده است.^[۱] مصطفوی نیز در بررسی قرآنی این واژه بیان می‌کند که اصل، هر چیزی است که مبنا و تکیه‌گاه امر دیگری قرار گیرد، خواه در امور مادی باشد یا معنوی.^[۲] به بیان دیگر، اصل آن چیزی است که وجود یا تحقق یک پدیده به آن وابسته است؛ مانند نسبت پدر به فرزند که منشأ پیدایش اوست. در اصطلاح نیز «اصل» عموماً به معنای قواعد و معیارهای کلی به‌کار می‌رود. به تعبیر برخی پژوهشگران، اصل عبارت است از قاعده‌ای کلی که باید‌ها و نبایدهای حاکم بر یک رفتار یا نظام را مشخص می‌کند.^[۳] بر این اساس، در بحث مواجهه با مخالفان، مقصود از اصول، مجموعه‌ای از قواعد بنیادین و معیارهای کلی است که رفتار و تصمیم‌گیری در این حوزه باید بر پایه آنها سامان یابد.

مواجهه

واژه «مواجهه» در لغت به معنای روبه‌رو شدن، رویارویی و مقابله کردن آمده است.^[۴] در برخی پژوهش‌ها، مواجهه به هرگونه کنش و رفتار زبانی و غیرزبانی در برابر دیگران اطلاق می‌شود؛ به این معنا که هر نوع واکنش - اعم از گفتاری و عملی - را در بر می‌گیرد.^[۵] بر این اساس، در اصطلاح، مواجهه به معنای شیوه برخورد و

موضوع‌محور این نصوص تکیه دارد. منابع تاریخی همچون السیره النبویه، مکاتیب الرسول، وقعة الصفین، تاریخ ابن‌خلدون و الغارات اطلاعات ارزشمندی درباره شیوه مواجهه پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین علی علیه السلام با انواع مخالفان ارائه می‌کنند؛ اما این داده‌ها نیازمند تحلیل منظومه‌مند هستند. آثار پژوهشی معاصر مانند نوشته یزدی (۱۳۹۳) درباره شیوه پیامبر ﷺ در برابر مخالفان، اثر دل‌شاد تهرانی (۱۳۷۲) درباره اصول فردی سیره نبوی، پژوهش جوان‌مهر (۱۳۸۳) درباره مدیریت حکومتی پیامبر، کتاب لهراسبی (۱۳۹۲) درباره اخلاق پیامبر ﷺ در برخورد با مخالفان و تحقیق نوعی (۱۳۸۹) درباره مدارا، هرچند نکات ارزشمندی عرضه می‌کنند، اما هیچ‌کدام مجموعه‌ای جامع و نظام‌یافته از همه انواع مخالفت‌ها و سطوح مواجهه ارائه نمی‌دهند. در حوزه مقالات علمی نیز پژوهش‌هایی مانند آثار لطیفی و ظریفیان یگانه (۱۳۹۱)، رزاقی موسوی (۱۳۸۳)، خان‌بیگی (۱۳۹۳) و دره‌کی (۱۳۹۴) تنها بخشی از موضوع را تبیین کرده‌اند و از تحلیل منسجم فاصله دارند. از همین‌رو پژوهش حاضر می‌کوشد با استخراج اصول از متون دینی و راهبردهای حکومتی پیامبر اکرم ﷺ و امیرالمؤمنین علی علیه السلام الگویی جامع و کاربردی برای مواجهه امام‌جمعه به عنوان راهبر فرهنگی شهر با مخالفان ارائه دهد.

مبانی نظری اصول مواجهه با مخالفان

ورود اصولی، هدف‌مند و دارای ساختار به یک مسئله، و همچنین اتخاذ موضعی روشن برای جلوگیری از سوءبرداشت‌های احتمالی، نیازمند تبیین مبانی نظری و مفهومی واژه‌های اصلی این نگارش است. لذا در ابتدا به بازشناسی مفاهیم و مبانی نظری می‌پردازیم.

۱. لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه «اصل».
۲. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۴۰۱.
۳. مقالة تعامل با مخالفان در اندیشه سیاسی امام خمینی رحمه الله، ص ۹.
۴. لغت‌نامه دهخدا، ص ۲۱۷۲۶.
۵. مقالة اصول و روش‌های تربیتی مواجهه با مخالفان در اخلاق ارتباطی امام علی علیه السلام، ص ۱۰۴.

تعامل با افرادی است که در اعتقاد، دیدگاه یا رفتار با فرد یا حاکمیت اختلاف دارند، خواه این رویارویی در برابر مخالفان باشد یا دشمنان.

امام جمعه

امام جمعه در نظام جمهوری اسلامی ایران جایگاهی دینی-اجتماعی دارد که علاوه بر اقامه نماز جمعه، نقش مهمی در هدایت فرهنگی و اجتماعی جامعه ایفا می‌کند. وی نماینده رهبری در هر شهر یا منطقه‌ای است که وظیفه تبیین معارف دینی، روشنگری در مسائل اجتماعی و سیاسی و تقویت انسجام اجتماعی را بر عهده دارد.

خطبه‌های نماز جمعه نیز رسانه‌ای عمومی است که بستری برای ارتباط مستقیم میان نهاد دینی و جامعه فراهم می‌آورد و در شکل دهی به افکار عمومی و انتقال دیدگاه‌های کلان نظام نقش قابل توجهی دارد.

مخالفان

واژه «مخالف» از ریشه «خُلف» گرفته شده و در لغت به معانی نقض عهد، اختلاف و ناسازگاری آمده است.^[۱] در زبان فارسی نیز مخالف به کسی گفته می‌شود که در موضوعی با دیگری هم‌نظر نباشد و با او همراهی نکند.^[۲]

این واژه در مباحث علمی کاربرد گسترده‌ای دارد، اما بیشترین استعمال آن در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی است؛ زیرا در بیشتر مسائل اجتماعی و فکری، دیدگاه‌های موافق و مخالف شکل می‌گیرد و افراد بر اساس باورها

و تحلیل‌های خود موضع‌گیری می‌کنند.^[۳] مهم‌ترین زمینه‌های بروز مخالفت نیز معمولاً مسائل فکری، سیاسی و اجتماعی است که به شکل‌گیری دیدگاه‌های متفاوت و گاه متعارض می‌انجامد. در این پژوهش، «مخالف» به فرد یا جریانی اطلاق می‌شود که ایده یا گفتمان حاکم یک نظام سیاسی را نپذیرد. این مفهوم دامنه‌ای گسترده دارد و می‌تواند از مخالفت‌های نرم و فکری تا سطوح شدیدتر را دربرگیرد. برای این اساس، مخالفان نظام اسلامی کسانی هستند که مبانی فکری و گفتمان توحیدی حاکم بر این نظام را قبول ندارند و گاه برای ابراز یا تحقق این مخالفت اقداماتی نیز انجام می‌دهند.^[۴]

مدیریت اجتماعی

مدیریت اجتماعی به فرایند سامان‌دهی، هدایت و تنظیم روابط، کنش‌ها و مناسبات افراد و گروه‌ها در بستر جامعه گفته می‌شود؛ فرایندی که با هدف ایجاد نظم، کاهش تعارض، تأمین منافع عمومی و تقویت انسجام اجتماعی صورت می‌گیرد. مدیریت اجتماعی، علاوه بر جنبه اجرایی، واجد ابعاد فرهنگی، ارتباطی و هنجاری نیز هست و در پی آن است که از طریق تدبیر، هماهنگی و سیاست‌گذاری، بستر مناسب برای پایداری و تعالی حیات اجتماعی فراهم شود.

انواع مخالفان نظام اسلامی

در یک نگاه کلان، هر عقیده و مکتبی با دو طیف «موافق» و «مخالف» روبه‌رو است و حکومت اسلامی نیز از عصر پیامبر ﷺ تا دورهٔ انتمه ﷺ و فقه‌های شیعه در عصر غیبت از این

۳. رک: مقالهٔ تعامل با مخالفان در اندیشهٔ سیاسی

امام خمینی رحمته‌الله، ص ۹.

۴. رک: بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم قم،

۱۳۷۹/۱۰/۱۹.

۱. العین، ج ۴، ص ۲۶۷؛ المعجم البسيط، ص ۱۳۰.

۲. فرهنگ فارسی معین، ج ۳، ص ۲۶۸.

قاعده مستثنا نبوده است. مخالفان را می‌توان بر اساس معیار «درونی و بیرونی» تقسیم کرد.

اگر معیار «عقیده و تفکر» مبنا قرار گیرد، مرز جغرافیایی اهمیت ثانوی می‌یابد؛ هر کس گفتمان اسلام را بپذیرد، در مجموعه نظام اسلامی است، حتی اگر خارج از مرزهای سرزمینی باشد، و هر کس آن را نپذیرد، در شمار مخالفان قرار می‌گیرد، هرچند در قلمرو اسلامی زندگی کند.^[۱] این دیدگاه مبتنی بر نظریه «مرزهای عقیدتی» است که امت اسلامی را فراتر از مرزهای جغرافیایی تعریف می‌کند؛ هرچند تحقق کامل آن در نظام بین‌الملل کنونی با چالش‌هایی روبه‌رو است؛ از این‌رو، در این پژوهش، معیار جغرافیایی مبنا قرار گرفته است. بر این اساس، مخالف درونی به جریان‌ها و افرادی گفته می‌شود که در داخل جامعه اسلامی به مقابله می‌پردازند و مخالف بیرونی به قدرت‌ها یا گروه‌های خارج از مرزها اطلاق می‌شود. آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله علیه در این باره می‌فرماید: «دو خطر عمده اسلام را تهدید می‌کند: یکی خطر دشمنان خارجی و دیگری خطر اضمحلال داخلی».^[۲]

با توجه به این بیان، مخالفان جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در چند دسته اصلی بررسی کرد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: جبهه مستکبران خارجی، منافقان و افراد ضعیف‌الایمان. این تقسیم‌بندی به فهم بهتر نوع تهدیدها و نیز شیوه‌های مواجهه با آنها کمک می‌کند.

۱. جبهه مشترک مستکبران

بررسی تاریخ اسلام نشان می‌دهد که هرگاه حکومت دینی شکل گرفته، همواره با مخالفت جریان‌های

معارض روبه‌رو بوده است. نخستین حکومت اسلامی در مدینه به رهبری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تأسیس شد و پس از آن در دوره خلافت امیرالمؤمنین علیه‌السلام و امام حسن علیه‌السلام استمرار یافت؛ اما این حاکمیت به دلیل فشار دشمنان خارجی و همراهی برخی جریان‌های داخلی دوام چندانی نیافت. دشمنانی مانند معاویه در بیرون، و منافقان و افراد سست‌اعتقاد در داخل، زمینه کنار رفتن حاکمیت اهل بیت علیهم‌السلام را فراهم کردند و در نتیجه حکومت به دست افرادی افتاد که از مسیر اسلام فاصله گرفتند و به سوءاستفاده از بیت‌المال و انحراف از ارزش‌های اسلامی پرداختند.

در قرون بعد نیز اگرچه در برخی مقاطع، حکومت‌هایی با گرایش شیعی مانند خلافت فاطمیان شکل گرفت، اما این حکومت‌ها یا از گستره جغرافیایی محدودی داشتند یا دوام طولانی نیاوردند.

دردوران معاصر، پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی رحمته‌الله علیه نقطه عطفی در احیای حکومت مبتنی بر مبانی شیعی به‌شمار می‌آید. با شکل‌گیری جمهوری اسلامی، برای نخستین بار پس از قرن‌ها، نظامی سیاسی بر پایه فقه شیعه و نظریه ولایت فقیه تأسیس شد. همان‌گونه که در صدر اسلام، مدینه مرکز حکومت اسلامی بود، در دوره معاصر نیز ایران به‌کانون حکومت اسلامی تبدیل شده است که بر اساس مبانی فقه شیعه اداره می‌شود. طبیعی است که شکل‌گیری چنین نظامی با مخالفت قدرت‌هایی روبه‌رو شود که منافع خود را در سلطه بر ملت‌ها می‌بینند؛ زیرا گسترش اندیشه‌های اسلامی و عدالت‌خواهانه منافع قدرت‌های سلطه‌گرا به چالش می‌کشد.^[۳]

۳. مقاله کاربست گفتمان‌کاوی در تحلیل مفاهیم استضعاف و استکبار، ص ۱۰۸.

۱. رک: کیف جمع شمل المسلمین، ص ۶.
۲. رک: بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۱/۱/۶.

لبنان، سومالی، اریتره، اتیوپی، الجزایر، زیمبابوه و حتی در برخی کشورهای آمریکای جنوبی مانند ونزوئلا، اکوادور، شیلی و برزیل به الگوی استقلال طلبی و مقاومت توجه کرده‌اند.^[۲] افزون بر این، برخی کشورها نیز به دلیل منافع سیاسی و اقتصادی مشترک با جمهوری اسلامی همکاری می‌کنند؛ کشورهایمانند چین و روسیه در بسیاری از مسائل بین‌المللی بر اساس منافع مشترک با ایران تعامل دارند.

دسته دوم دولت‌هایی هستند که رویکردی کاملاً منفعت‌محور دارند و برای آنان اسلامی بودن یا نبودن یک نظام اهمیت ذاتی ندارد. این کشورها سیاست خود را بر اساس منافع ملی تنظیم می‌کنند و ممکن است در شرایطی از جمهوری اسلامی حمایت کنند و در شرایطی دیگر در برابر آن قرار گیرند. در صدر اسلام نیز برخی قبایل مانند بنی‌ضمیره و بنی‌مدلج چنین رویکردی داشتند و تعامل آنان با حکومت اسلامی تابع شرایط و منافع سیاسی زمان بود.

دسته سوم حکومت‌ها و جریان‌هایی هستند که به دلیل تعارض منافع، مخالفت با اسلام یا روحیه سلطه‌طلبی در پی مقابله با جمهوری اسلامی ایران‌اند. در عصر معاصر نیز، ایالات متحده آمریکا به عنوان مهم‌ترین نماد استکبار جهانی شناخته می‌شود که با بهره‌گیری از ابزارهای مختلف سیاسی، اقتصادی، رسانه‌ای و نظامی در پی تضعیف جمهوری اسلامی ایران بوده است. استفاده از ابزارهایی مانند جنگ نظامی، تحریم اقتصادی، عملیات رسانه‌ای و فشار سیاسی نشان‌دهنده شکل‌گیری نوعی جنگ ترکیبی علیه نظام اسلامی است. در کنار آمریکا، برخی دولت‌های غربی مانند فرانسه و انگلیس نیز در بسیاری

در نظام بین‌الملل معاصر نیز، رقابت میان قدرت‌ها در قالب تقابل میان جریان‌های سلطه‌گر و ملت‌های تحت سلطه تفسیر می‌شود. جمهوری اسلامی ایران از آغاز شکل‌گیری، حمایت از مستضعفان و مقابله با مستکبران را از اصول اساسی سیاست خود اعلام کرده است. از این‌رو، برخی تحلیل‌گران جهان را به دو اردوگاه اصلی تقسیم می‌کنند: اردوگاه مستکبران به رهبری ایالات متحده آمریکا و اردوگاه مستضعفان که جمهوری اسلامی ایران الهام‌بخش آن به‌شمار می‌آید.^[۱] در این چارچوب، مفهوم «استکبار» به گروه یا مذهب خاصی محدود نیست؛ بلکه هر فرد یا نظامی که دارای روحیه سلطه‌طلبی باشد می‌تواند در این دسته قرار گیرد؛ بنابراین ممکن است فردی مشرک، کافر یا حتی مسلمان با روحیه سلطه‌جویی در زمره مستکبران قرار گیرد.

با وجود این، دولت‌ها و حکومت‌های خارج از مرزهای جمهوری اسلامی ایران را می‌توان از نظر نوع رابطه با این نظام در چند دسته بررسی کرد. نخست، کشورهایی هستند که به دلیل اشتراکات اعتقادی یا ارزشی با جمهوری اسلامی همراهی دارند. برخی از این کشورها به دلیل مسلمان بودن و نزدیکی اعتقادی از نظام اسلامی حمایت می‌کنند و برخی دیگر، هرچند مسلمان نیستند، به دلیل همدمی با ارزش‌هایی مانند عدالت‌خواهی و مبارزه با ظلم با انقلاب اسلامی همسو شده‌اند. برخی با اشاره به اندیشه امام خمینی رحمه‌الله‌ علیه مبنی بر تقسیم جهان به مستکبر و مستضعف، معتقد است این تفکر زمینه‌ساز شکل‌گیری حرکت‌های مقاومت در کشورهای مختلف شده است؛ به گونه‌ای که ملت‌هایی در

۲. رک: آینده نظام بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۰-۱۵.

۱. رک: آینده نظام بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۴۵.

از موارد در راستای سیاست‌های آمریکا عمل کرده‌اند. همچنین برخی کشورهای منطقه با وجود ادعای اسلامی بودن، در عمل در چارچوب سیاست‌های قدرت‌های سلطه‌گر حرکت می‌کنند؛ کشورهایی مانند عربستان سعودی و امارات متحده عربی در بسیاری از مسائل منطقه‌ای در تقابل با جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته‌اند. امام خمینی رحمه الله همواره بر ضرورت شناخت دشمنان خارجی، به‌ویژه آمریکا تأکید می‌کرد و استکبار جهانی را از مهم‌ترین مخالفان اسلام ناب محمّدی می‌دانست.^[۱]

۲. منافقان

دومین دسته از مخالفان جریان‌های اسلامی خصوصاً جمهوری اسلامی ایران منافقان هستند. در تاریخ انقلاب اسلامی نیز منافقان یکی از مهم‌ترین جریان‌های معارض داخلی به‌شمار می‌آیند که در دوره‌های مختلف به مقابله آشکار با نظام اسلامی پرداخته‌اند.

ریشه شکل‌گیری این جریان به سال ۱۳۴۲ بازمی‌گردد؛ زمانی که محمد حنیف‌نژاد، سعید محسن و علی‌اصغر بدیع‌زادگان که از اعضای نهضت آزادی بودند، سازمان مجاهدین خلق را تأسیس کردند.^[۲] این گروه معتقد بود روش‌های مسالمت‌آمیز در مبارزه با رژیم پهلوی کارآمد نیست و باید مبارزه مسلحانه را در پیش گرفت. در سال ۱۳۵۰ اعضای این سازمان قصد داشتند در جریان جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی اقداماتی تخریبی انجام دهند؛ اما پیش از اجرای عملیات توسط یکی از اعضای گروه به نام شاه‌مراد دلفانی افشا

شدند و بسیاری از اعضای آن دستگیر گردیدند. پس از محاکمه، تعدادی از اعضا به اعدام و برخی دیگر به زندان‌های طولانی‌مدت محکوم شدند. در میان آنان مسعود رجوی که ابتدا به اعدام محکوم شده بود، با تخفیف مجازات به حبس ابد محکوم شد و در جریان آزادی زندانیان سیاسی در سال ۱۳۵۷ آزاد گردید و دوباره رهبری این سازمان را بر عهده گرفت.^[۳] پس از پیروزی انقلاب اسلامی، این گروه به دلیل مخالفت با نظام جمهوری اسلامی وارد فاز خشونت‌آمیز شد و اقدامات تروریستی گسترده‌ای انجام داد که در نتیجه آن حدود ۱۷ هزار نفر از مردم و مسئولان کشور به شهادت رسیدند. در شرایطی که کشور درگیر جنگ تحمیلی عراق بود و تمرکز نیروهای نظامی و سیاسی باید بر دفاع از کشور قرار می‌گرفت، اقدامات آشوب‌گرانه این گروه، بخشی از توان کشور را به مسائل داخلی معطوف کرد. اوج اقدامات تروریستی منافقان در سال ۱۳۶۰ بود. در حادثه انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی در هفتم تیر همان سال، آیت‌الله بهشتی و بیش از هفتاد تن از مسئولان کشور به شهادت رسیدند. همچنین در عملیات‌های تروریستی دیگری شخصیت‌هایی مانند آیت‌الله مدنی امام‌جمعه تبریز، آیت‌الله دستغیب، دکتر آیت و شماری از مسئولان نظام هدف قرار گرفتند. این اقدامات نشان می‌دهد که منافقان درصدد حذف نیروهای مؤثر انقلاب اسلامی بودند. پس از پایان جنگ تحمیلی نیز، این گروه با همکاری رژیم بعث عراق عملیاتی نظامی با عنوان «مرصاد» علیه ایران ترتیب داد؛ اما این اقدام با مقاومت نیروهای ایرانی ناکام ماند.^[۴] طبیعی است

۳. رک: تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۱، ص ۴۰۰.

۴. مقاله بررسی نقش سازمان منافقین در جنگ ایران و عراق، ص ۶۴.

۱. رک: صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۹۵ و ص ۳۲۶-۳۲۸.

۲. رک: مجاهدین خلق در آیینۀ تاریخ، ص ۱۴-۱۵.

که نظام اسلامی در برابر چنین تهدیدهایی سکوت نکرده و بر اساس مبانی خود با این جریان‌ها مقابله کرده است.

۳. ضعیف‌الایمان‌ها

دسته سوم از مخالفان یا منتقدان بالقوه در جامعه اسلامی، افرادی هستند که از نظر اعتقادی و تحلیلی ثبات لازم را ندارند. در هر جامعه‌ایدئولوژیک چنین طیفی وجود دارد؛ افرادی که در شرایط دشوار یا در مواجهه با فشارهای تبلیغاتی و رسانه‌ای دچار تردید یا ضعف می‌شوند.

در ایران نیز بخشی از این وضعیت به سیاست‌های حکومت پهلوی باز می‌گردد. در آن دوران، تلاش‌هایی برای تضعیف ارزش‌های دینی صورت گرفت؛ برای نمونه، رضاشاه اقدام به کشف حجاب و محدود کردن مراسم مذهبی کرد و در دوره محمدرضا شاه نیز برخی قوانین و سیاست‌ها در تقابل با احکام اسلامی قرار داشت. هرچند این اقدامات نتوانست باورهای دینی مردم را از بین ببرد، اما در برخی لایه‌های اجتماعی آثار خود را برجای گذاشت.

پس از انقلاب اسلامی نیز دشمنان داخلی و خارجی با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای و تبلیغاتی تلاش کرده‌اند شباهت‌های تردیدهایی را در جامعه ایجاد کنند. در چنین شرایطی، افرادی که از استحکام اعتقادی کمتری دارند ممکن است تحت تأثیر این فضا قرار گیرند. این افراد معمولاً در برابر فشارها، تهدیدها یا تطمیع‌ها مقاومت کمتری دارند و گاه ناخواسته در مسیر اهداف دشمنان قرار می‌گیرند.

در تاریخ اسلام نیز نمونه چنین وضعیتی در جنگ احد مشاهده شد؛ جایی که برخی مسلمانان تحت تأثیر القائنات منافقان دچار

تردید شدند. قرآن کریم در این شرایط با یادآوری پیروزی مسلمانان در جنگ بدر، روحیه آنان را تقویت کرد و آنان را به تقوا و توکل بر خدا فرا خواند: «لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ»^[۱].

در جمهوری اسلامی نیز در رخدادها و بحران‌های مختلف، از جمله حوادث سال‌های ۱۳۶۸، ۱۳۷۸، ۱۳۸۸، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱، ۱۴۰۴، بخشی از جامعه دچار شبهه یا تردید شده‌اند. با این حال، در بسیاری از موارد با روشنگری و تبیین رهبران نظام، بخش قابل توجهی از این افراد به مواضع پیشین بازگشته‌اند. در عین حال، گروهی نیز به دلیل انگیزه‌های مادی یا روحیه راحت‌طلبی در مسیر جریان‌های معارض قرار گرفته‌اند؛ چنان‌که امام خمینی رحمته‌الله از برخی از این افراد با عناوینی مانند «سرمایه‌داران مرفه بی‌درد» یاد کرده‌اند که در نهایت در خدمت جریان‌های سلطه‌گر قرار می‌گیرند.^[۲] بر این اساس، طیف ضعیف‌الایمان‌ها گرچه الزاماً دشمن سازمان‌یافته محسوب نمی‌شوند، اما در صورت نبود روشنگری و تبیین صحیح، می‌توانند به بستری برای نفوذ جریان‌های معارض تبدیل شوند. از این‌رو، یکی از مهم‌ترین وظایف حاکمیت و نهادهای فرهنگی در نظام اسلامی، تقویت آگاهی عمومی و افزایش بصیرت اجتماعی در میان مردم است.

گونه‌های مخالفت با نظام اسلامی

در هر نظام سیاسی، یکی از نخستین گام‌ها برای اداره صحیح حکومت، شناسایی مخالفان، دشمنان، معاندان و جریان‌های برانداز است. پس از این مرحله، باید راه‌ها، ابزارها و اشکال مخالفت آنان نیز مورد بررسی قرار گیرد. اگر این شناخت

۱. آل عمران، آیه ۱۲۳-۱۲۴.

۲. رک: صحیفه امام، ج ۲، ص ۳۹۱.

افراد ممنوع است. اصل بیست و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح می‌کند: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد».^[۱]

البته این امر به معنای بی‌تفاوتی کامل حکومت نسبت به حوزهٔ اندیشه نیست. هرچند حکومت در برابر مخالفت صرفاً ذهنی وظیفه برخورد ندارد، اما در حوزهٔ «روشنگری و تبیین» وظیفه‌ای مهم بر عهده دارد. سیرهٔ حکمرانی اهل بیت علیهم‌السلام نیز نشان می‌دهد که آنان در برابر شبهات فکری و اعتقادی به روشنگری و استدلال روی می‌آوردند. در دوران معاصر نیز سخنرانی‌ها و بیانات امام خمینی رحمته‌الله و رهبر معظم انقلاب اسلامی در بسیاری موارد در راستای همین وظیفه تبیین و روشنگری قابل تحلیل است.

۲. مخالفت عملی

مرتبهٔ دوم مخالفت، مخالفت عملی است؛ یعنی حالتی که مخالفت فرد یا گروه از سطح ذهن و اعتقاد فراتر رفته و در عرصهٔ اجتماعی بروز پیدا می‌کند. مخالفت عملی خود می‌تواند در سطوح مختلفی ظهور یابد که از جمله مهم‌ترین آنها «اعتزال» و «اعتراض» و «اغتشاش» است.

۲-۱. اعتزال

واژهٔ «اعتزال» در لغت به معنای کناره‌گیری، گوشه‌گیری و فاصله گرفتن از دیگران است.^[۲] در ادبیات سیاسی نیز اعتزال به معنای کناره‌گیری از مشارکت در فرایندهای سیاسی و عدم همراهی با حاکمیت است. در منابع تاریخی صدر اسلام، مفهوم اعتزال گاه با عنوان «متخلفین» نیز مطرح شده است. برای نمونه، ابن ابی‌الحدید دربارهٔ

به‌درستی تحقق نیابد، اداره حکومت با چالش‌های جدی مواجه خواهد شد؛ زیرا وجود جریان‌های مخالف بدون شناخت دقیق از نوع و سطح مخالفت آنان می‌تواند زمینهٔ تضعیف یا اختلال در کارکردهای حاکمیت را فراهم کند. در این نوشتار تلاش شده است تقسیم‌بندی نسبتاً منسجمی از اشکال مخالفت در نظام اسلامی ارائه شود که هم در بررسی تاریخ صدر اسلام و هم در تحلیل وضعیت جمهوری اسلامی ایران قابل تطبیق باشد.

در این چارچوب، «مخالفت» به فرد یا جریانی اطلاق می‌شود که گفتمان، ایده و ایدئولوژی کلان نظام اسلامی را نپذیرد. گاهی مخالفت تنها در سطح ذهن و اعتقاد باقی می‌ماند و شخص مخالف آن را در عرصهٔ اجتماعی اظهار نمی‌کند؛ اما گاهی این مخالفت به سطح جامعه کشیده می‌شود و در قالب رفتارها و کنش‌های اجتماعی ظاهر می‌گردد. از این رو، می‌توان اشکال مخالفت را در دو سطح کلی بررسی کرد: مخالفت فکری و مخالفت عملی.

۱. مخالفت فکری و عقیدتی

نخستین سطح مخالفت، مخالفت فکری و اعتقادی است. در این سطح، فرد در ذهن و باور خود نسبت به یک نظام سیاسی یا یک حکم حکومتی مخالفت دارد، اما این مخالفت را در عرصهٔ عمومی بروز نمی‌دهد و در رفتار اجتماعی نیز نمود آشکاری از آن دیده نمی‌شود.

مادامی که مخالفت در حد اعتقاد ذهنی باقی بماند و به عرصهٔ عمل یا اظهار علنی وارد نشود، حکومت اسلامی وظیفه‌ای در جهت مواجههٔ قضایی یا امنیتی با آن ندارد. بر اساس مبانی فقه اسلامی و نیز قوانین حقوقی جمهوری اسلامی، تفتیش عقاید

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۲۳.

۲. لغت‌نامهٔ دهخدا، ذیل واژهٔ اعتزال.

عبدالله بن عمر می‌نویسد: «لَمَّا بَايَعَ النَّاسُ عَلِيًّا وَ تَخَلَّفَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ كَلِمَةً عَلِيُّ فِي التَّبِيعَةِ فَاَمْتَنَعَ عَلَيْهِ»^[۱] بر اساس این گزارش، زمانی که مردم با امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت کردند، عبدالله بن عمر از بیعت خودداری کرد. او در عین حال با مخالفان امام نیز بیعت نکرد و در واقع نوعی کناره‌گیری سیاسی در پیش گرفت. همچنین نصر بن مزاحم منقروی در کتاب وقعة صفین درباره برخی افراد می‌نویسد که از هر دو جبهه فاصله گرفتند: «اغْتَزَلُوا عَلِيًّا وَ مُعَاوِيَةَ»^[۲] مسعودی نیز در معرفی برخی از انصار که از همراهی با امیرالمؤمنین علیه السلام کناره گرفتند می‌نویسد: «وَ مِمَّنْ اغْتَزَلَ مِنَ الْأَنْصَارِ كَغُبِّ بْنِ مَالِكٍ»^[۳]

در اصطلاح سیاسی، اعتزال در مقابل مشارکت سیاسی قرار می‌گیرد و فرد با کناره‌گیری از فعالیت‌های سیاسی سعی می‌کند مخالفت خود را به نوعی نشان دهد.

در جوامع امروزی، نمونه‌ای از اعتزال سیاسی را می‌توان در «عدم مشارکت در انتخابات» مشاهده کرد. این نوع کناره‌گیری معمولاً از سوی نخبگان یا خواص جامعه صورت می‌گیرد و می‌تواند پیامدهایی در سطح مشروعیت سیاسی نظام ایجاد کند. در تاریخ صدر اسلام، جریان اعتزال به‌ویژه در دوران خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام ظهور سیاسی پیدا کرد. این جریان را می‌توان به دو شاخه اصلی تقسیم کرد:

الف) اعتزال عافیت‌طلبانه: این جریان بیشتر در مدینه شکل گرفت و پیروان آن با تمسک به احتیاط دینی یا نگرانی از بروز اختلاف در جامعه اسلامی از همراهی با امام علی علیه السلام خودداری کردند. در واقع این گروه

بیشتر به دنبال حفظ آسایش و امنیت شخصی خود بودند و تلاش می‌کردند از درگیری‌های سیاسی فاصله بگیرند. از جمله شخصیت‌های این جریان می‌توان به سعد بن ابی‌وقاص، عبدالله بن عمر، کعب بن مالک، ایمن بن خریم، اسامه بن زید و زید بن ثابت اشاره کرد.^[۴]

برای نمونه سعد بن ابی‌وقاص در پاسخ به دعوت امام علی علیه السلام برای مشارکت در جنگ چنین گفت: «إِنِّي أَكْرَهُ الْخُرُوجَ فِي هَذِهِ الْخَرْبِ لِئَلَّا أُصِيبَ مُؤْمِنًا، فَإِنِ اعْظَيْتَنِي سَيْفًا يَعْرِفُ الْمُؤْمِنَ مِنَ الْكَافِرِ قَاتِلْتُ مَعَكَ»^[۵] یعنی: «من دوست ندارم در این جنگ شرکت کنم، زیرا بیم آن دارم که به مؤمنی آسیب برسانم؛ اگر شمشیری به من بدهی که مؤمن را از کافر تشخیص دهد، در کنار تو می‌جنگم». همچنین عبدالله بن عمر در بیان علت کناره‌گیری خود می‌گوید: «لَشَيْءٍ أَعْرِفُ فِي هَذِهِ الْخَرْبِ شَيْئًا، أَسْأَلُكَ أَلَّا تَحْمِلَنِي عَلَى مَا لَا أَغْرِقُ»^[۶]

ب) اعتزال قدرت‌طلبانه: شاخه دوم اعتزال در کوفه شکل گرفت و بیشتر ماهیتی از نوع بدعت سیاسی داشت. در این جریان تلاش شد تا اعتزال سیاسی به عنوان یک رویکرد دینی معرفی شود و حتی به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اسلام نسبت داده شود. چهره شاخص این جریان عبدالله بن قیس، مشهور به ابوموسی اشعری بود. ابوموسی اشعری در زمان بیعت مردم با امیرالمؤمنین علیه السلام حاکم کوفه بود و در آغاز از بیعت با آن حضرت خودداری کرد و نوعی سکوت سیاسی در پیش گرفت.^[۷] این رویکرد سبب شد که در

۴. رک: جریان شناسی فکری-سیاسی صدر اسلام، ص ۱۹۲-۱۹۹.

۵. رک: جریان شناسی فکری-سیاسی صدر اسلام، ص ۱۹۴.

۶. رک: جریان شناسی فکری-سیاسی صدر اسلام، ص ۱۹۷.

۷. رک: جریان شناسی فکری-سیاسی صدر اسلام، ص ۲۱۲.

۱. شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۹۶.

۲. وقعة صفین، ص ۵۰۳-۵۳۸.

۳. مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۷۶.

با حاکمیت بینجامند، در قالب
«اغتشاش» یا «شورش» بروز می‌یابند.

در این مرحله، رفتار مخالفان از بیان دیدگاه یا اعتراض مدنی فراتر رفته و به اقداماتی نظیر ایجاد ناامنی، تخریب اموال عمومی، درگیری با نیروهای حافظ نظم و تلاش برای برهم‌زدن ثبات اجتماعی و سیاسی تبدیل می‌شود. از این‌رو، اغتشاش را می‌توان با مفاهیمی همچون آشوب، شورش، براندازی و بغی مرتبط دانست؛ مفاهیمی که در صورت تحقق شرایط خاص، در فقه اسلامی ذیل عناوینی مانند «بغی» و در مواردی «محاربه» مورد بحث قرار گرفته‌اند.

از منظر لغوی، واژه شورش به معانی گوناگونی همچون آشوب، انقلاب، پریشانی، هيجان، آشفتگی و برهم خوردن نظم به‌کار رفته است.^[۳] در اصطلاح سیاسی نیز شورش به اقدام همراه با خشونت با هدف مقابله با نظام حاکم که معمولاً با بی‌نظمی، ناامنی و اختلال در نظم عمومی همراه است اطلاق می‌شود.^[۴] چنین تعریفی نشان می‌دهد که عنصر خشونت و برهم‌زدن نظم اجتماعی از مهم‌ترین مؤلفه‌های این پدیده در تحلیل‌های سیاسی معاصر است.

برخی مقاطع برای حکومت علوی مشکلات سیاسی ایجاد شود.

به‌طور کلی، اعتزال برخی شخصیت‌های برجسته مانند سعد بن ابی‌وقاص، عبدالله بن عمر و ابوموسی اشعری چالش‌هایی برای حکومت اسلامی ایجاد کرد. در دوران معاصر نیز گاه می‌توان نمونه‌هایی از کناره‌گیری سیاسی برخی نخبگان را مشاهده کرد که در شرایط حساس سیاسی تأثیرات اجتماعی قابل توجهی بر جای می‌گذارد.

۲-۲. اعتراض

نوع دیگر مخالفت عملی، اعتراض است. واژه «اعتراض» مصدر باب افتعال و ریشه آن از «عرض» گرفته شده است. ابن فارس در توضیح این ریشه «عرض» می‌نویسد به معنای آشکار ساختن چیزی در برابر دیگران است؛ همان‌گونه که فروشنده کالا، متاع خود را در برابر دید مردم قرار می‌دهد.^[۱] در اصطلاح سیاسی، اعتراض نوعی کنش اجتماعی است که در آن فرد یا گروه با یک تصمیم، سیاست یا حکم حکومتی مخالفت خود را به صورت آشکار بیان می‌کند به گونه‌ای که این مخالفت ممکن است به نفی مشروعیت نظام منجر شود.^[۲]

۳-۲. اغتشاش

اغتشاش را می‌توان شدیدترین و نهایی‌ترین سطح مخالفت با نظام سیاسی دانست. مخالفت‌ها در یک فرآیند تدریجی ممکن است از سطح نقد و اعتراض آغاز شوند، اما چنانچه از چارچوب‌های قانونی و خطوط قرمز تعیین‌شده عبور کنند و به تقابل علنی، خشونت‌آمیز و سازمان‌یافته

**اصول اسلامی مواجهه امام جمعه
با مخالفان در سیره تربیتی و مدیریت
اجتماعی پیامبر اسلام
و امام علی**

اول: مواجهه نرم

۱. اصل مدارا

مدارا در لغت به معنای نرمی، ملایمت و رفتار همراه با تحمل در برخورد با دیگران

۱. معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۲۶۰.
۲. مقاله شیوه‌های اجتماعی سیاسی امیرمومنان (ع)
- در جهت جذب و هدایت مخالفان، ص ۲۴.

۳. فرهنگ فارسی معین، ج ۳، ص ۱۷۱۴.
۴. فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ج ۵، ص ۱۰۵.

نداشتند با آنان مدارا می‌کرد؛ اما هرگاه این مخالفت‌ها به خشونت یا تهدید امنیت جامعه اسلامی می‌انجامید، برخورد قاطع جایگزین مدارا می‌شد.^[۸]

پس از پذیرش حکومت توسط امیرالمؤمنین (علیه السلام) بیعت عمومی مردم، گروهی از صحابه از بیعت با ایشان خودداری کرد. در فضای سیاسی آن زمان، رسم بر این بود که اگر اکثریت جامعه با حاکمی بیعت می‌کردند، اقلیت باقی‌مانده را با تهدید، فشار یا تطمیع به بیعت وادار می‌کردند؛ همان‌گونه که پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز برای گرفتن بیعت از خاندان عصمت و طهارت از زور استفاده شد. با وجود چنین پیشینه‌ای، امام علی (علیه السلام) هیچ‌گاه مخالفان را به بیعت اجبار نکرد. برای نمونه، عبدالله بن عمر که نقشی مؤثر در ایجاد تردید اجتماعی داشت، وقتی از بیعت سر باز زد، امام به او فرمود ضامنی بیاورد تا آشوبی ایجاد نکند. او اظهار کرد ضامنی ندارد. یکی از اصحاب امام اجازه خواست که او را بکشد، اما حضرت مانع شد و فرمود: «من خود ضامن او هستم».^[۹] این رفتار، نمونه‌ای روشن از ترجیح مدارا بر خشونت و رعایت آزادی اراده سیاسی در حکومت علوی است.

در منابع تاریخی نیز روایت شده که امام علی (علیه السلام) در آغاز خلافت، برای اداره مصر، قیس بن سعد را که از نیک‌خواهان ایشان بود برگزید. آن حضرت هنگام اعزام او فرمود: «چون به مصر رسیدی، با نیکوکاران نیکی کن و با کسانی که در دل تردید دارند، قاطعانه رفتار نما و با خواص و عوام مدارا کن که مدارا موجب برکت است».^[۱۰] این فرمان، نشان‌دهنده نگاه متوازن امام علی (علیه السلام) به اخلاق سیاسی است؛ ترکیبی از قاطعیت در برابر تهدیدهای امنیتی و رأفت و نرمی در برابر عموم مردم. به بیان

است. برخی آن را از ریشه دری به معنای آگاهی و شناخت دانسته‌اند.^[۱۱] برخی نیز آن را از «درا» به معنای دفع شر و جلوگیری از آسیب گرفته‌اند.^[۱۲] بر این اساس، مدارا به رفتاری گفته می‌شود که فرد با ملایمت و بردباری می‌کوشد از تنش و آسیب جلوگیری کند و در عین حال زمینه اصلاح یا جذب طرف مقابل را فراهم سازد. به همین دلیل، این مفهوم بیشتر در مواجهه با مخالفان به‌کار می‌رود. در روایات نیز به این شیوه رفتاری توجه شده است؛ چنان‌که در حدیثی آمده است: «لَا تُحَمِّلُوا عَلٰی شِيعَتِنَا وَ اَزْفُقُوا بِهِمْ».^[۱۳] همچنین امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» بیان می‌کند که باید با همه مردم با گفتار نیک سخن گفت و حتی با مخالفان نیز با مدارا رفتار کرد.^[۱۴]

در اندیشه غربی، مفهوم تساهل در بستر درگیری‌های مذهبی و عملکرد نهاد کلیسا شکل گرفت و به‌تدریج به حوزه‌های مختلف اجتماعی و فکری گسترش یافت.^[۱۵] اما در اندیشه اسلامی، مدارا تنها به معنای تحمل منفعلانه نیست، بلکه روشی آگاهانه برای اصلاح، هدایت و حفظ آرامش اجتماعی به‌شمار می‌آید.^[۱۶]

در سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز اصل اولیه در برخورد با مخالفان، مدارا و گفت‌وگو بوده است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَ اِنْ جُنَحُوا لِلشَّلَمِ فَاَجْنَحْ لَهَا».^[۱۷] پیامبر (صلی الله علیه و آله) تا زمانی که مخالفان رفتار خصمانه‌ای

۱. مفردات الفاظ قرآن، ص ۲۲۷.
۲. مجمع البحرین، ج ۴، ص ۲۲۵؛ معجم مقاییس اللغة، ص ۲۷۱.
۳. الکافی، ج ۸، ص ۳۳۴.
۴. تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۱۵۱.
۵. رک: دولت عقل، ده گفتار در فلسفه و جامعه‌شناسی سیاسی، ص ۷۱.
۶. رک: مقاله الگوی مطلوب سیاست‌گذاری مدارا در جمهوری اسلامی ایران، ص ۲۸.
۷. انفال، ۶۱.

۸. السیره النبویه، ج ۲، ص ۱۹۸.
۹. حکمت اصول سیاسی اسلام، ص ۶۷.
۱۰. الغارات، ج ۱، ص ۲۰۸.

دیگر، مدارا نه نشانه ضعف، بلکه راهبردی مدیریتی برای حفظ آرامش اجتماعی و اصلاح تدریجی مخالفان است.

در نهایت، بررسی سیره

پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام
 نشان می‌دهد که هیچ‌گاه بدون طی مراحل گفت‌وگو، استدلال، نصیحت و اتمام حجت، آغازگر جنگ نبودند.^[۱] مدارا در این سیره، ابزار تربیت، اصلاح و فراهم کردن فرصت بازگشت مخالف بود.

در سه جنگ مهم دوران خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز ابتدا مذاکره، روشنگری و موعظه در دستور کار بود و تنها زمانی که همه راه‌های اصلاح بسته شد و بیم فروپاشی امنیت عمومی می‌رفت، ناچار به استفاده از قدرت نظامی شد.

در مجموع، مدارا در اندیشه اسلامی روشی برای کاهش تنش، حفظ وحدت و فراهم کردن زمینه اصلاح است. با این حال، این مدارا تا زمانی ادامه دارد که به تضعیف اصول و ارزش‌های اسلامی نینجامد. اگر مخالفت به اقدام خشونت‌آمیز یا برهم زدن امنیت جامعه تبدیل شود، ادامه مدارا جای خود را به برخورد قانونی می‌دهد.^[۲]

باللهام از سیره پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین علیه السلام الگوی مواجهه امام جمعه با مخالفان بر پایه مدارا، گفت‌وگو و اقناع است؛ به این معنا که امام جمعه در برخورد با جریان‌های منتقد یا افراد معترض، به جای طرد یا برخورد تند، از مدارا، شنیدن فعال، تبیین آرام، اصلاح تدریجی و فرصت دادن برای بازگشت به حقیقت استفاده می‌کند. در سطح اجتماعی نیز با پرهیز از

واکنش‌های هیجانی، شکاف‌ها را تبدیل به فرصت ارتباط می‌نماید و با دعوت مخالفان به گفت‌وگو و محترمانه، زمینه کاهش سوء تفاهم‌ها را فراهم می‌سازد. نقش او در مدیریت شهری، نقش راهبری راهبردی است؛ یعنی با ایجاد پیوند میان نهادهای فرهنگی، اجتماعی و مذهبی، افکار عمومی را به سمت آرام‌سازی فضا، کاهش تنش‌ها و تقویت همبستگی هدایت می‌کند. امام جمعه با تبیین اخلاق نبوی و علوی، میان نقد و اغتشاش تفاوت می‌گذارد، از حقوق مخالف غیرمتخاصم دفاع می‌کند و تنها در برابر رفتارهای تهدیدآمیز، تذکر قاطع اما عاقلانه می‌دهد. نتیجه این رویکرد، مدیریتی مبتنی بر اعتماد، مشارکت و تربیت اجتماعی است؛ روشی که در آن امام جمعه نه تنها خطیب، بلکه مرجع آرامش، عقلانیت و ترمیم روابط اجتماعی برای همه مردم، حتی منتقدان به‌شمار می‌آید.

۲. اصل تبیین، روشنگری و هدایت مرحله‌ای مخالفان

یکی دیگر از اصول مهم در مواجهه نرم با مخالفان، «تبیین، روشنگری و هدایت مرحله‌ای» است. این اصل در بستر مدارا و صلح معنا پیدا می‌کند؛ اما به سبب اهمیت ویژه آن، به خصوص در جوامع رسانه‌ای و پیچیده امروز، می‌توان آن را به عنوان اصلی مستقل مورد توجه قرار داد.

بر اساس این رویکرد، اگر فردی نسبت به مسئله‌ای دچار مخالفت یا سوء برداشت شد، برخورد با او باید «مرحله به مرحله» تنظیم گردد؛ در گام نخست، لازم است فضای موضوع برای او به صورت روشن، مستدل و آرام تبیین شود. در گام دوم، با پاسخ‌دهی دقیق به شبهات و ابهامات، زمینه روشنگری ذهنی و اصلاح نگرش فراهم آید؛

۱. رک: مقاله بنیادهای اخلاقی جمهوری اسلامی؛ بررسی موردی نوع برخورد با مخالفان، ص ۱۵۷.
۲. رک: عفو در قرآن کریم، ص ۱۳۲؛ رک: مقاله بنیادهای اخلاقی جمهوری اسلامی؛ بررسی موردی نوع برخورد با مخالفان، ص ۱۵۷.

و در گام سوم، با ارائه راه‌حل‌های جایگزین و امیدبخش، او در مسیر هدایت‌گری صحیح قرار گیرد تا به تدریج از موضع مخالفت، به همراهی و حتی حمایت از حقیقت نزدیک شود. این سیر تدریجی، مانع برخوردهای شتاب‌زده و خشونت‌آمیز می‌شود و امکان تبدیل ظرفیت مخالف به سرمایه‌ای برای رشد فکری جامعه را فراهم می‌سازد.

مرحله اول: احترام به اندیشه مخالف

اسلام دینی مبتنی بر منطق، استدلال و برهان است و از همین‌رو در مسئله اعتقاد، اصل آزادی انتخاب را به رسمیت می‌شناسد؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ»^[۱] زیرا حقیقت ایمان امری قلبی است و با اجبار تحقق نمی‌یابد. از این‌رو، اسلام نه تنها از طرح دیدگاه‌های مخالف هراسی ندارد، بلکه آنها را فرصتی برای تبیین حقیقت می‌داند و پاسخ را با استدلال و اخلاق ارائه می‌کند؛ همان‌گونه که قرآن دستور می‌دهد: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»^[۲] بسیاری از اندیشمندان نیز به این ویژگی اشاره کرده‌اند؛ از جمله حسن ابراهیم می‌نویسد: «دین محمد ﷺ آسان بود و سخنانش روشن؛ در تاریخ جهان مصلحی دیده نشده که در مدتی کوتاه چنین دل‌ها را بیدار و اخلاق را نوسازی کند»^[۳] در سیره امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز این اصل به روشنی دیده می‌شود؛ آن حضرت در دوران حکومت با جریان‌های مخالفی چون ناکثین، قاسطین و مارقین روبه‌رو شد؛ اما هرگز اندیشه‌ها را سرکوب نکرد. حتی خوارچ که پس از صفین به شدت با ایشان مخالفت می‌کردند و گاه به ایشان نسبت کفر می‌دادند، تا زمانی که دست

به اقدام عملی علیه امنیت جامعه نزدند از آزادی برخوردار بودند و حقوق اجتماعی آنان قطع نشد. امام علی (علیه السلام) در برابر آنان با استدلال و گفت‌وگو برخورد می‌کرد؛ چنان‌که در نهج البلاغه به احتجاج و پاسخ منطقی به مخالفان پرداخته است.^[۴] جرج جرداق نیز در توصیف این رویکرد می‌نویسد: «در دستور و برنامه علی (علیه السلام) اموری وجود دارد که بی‌شک فراتر از مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر است».^[۵] بر اساس این مبانی، الگوی مواجهه امام جمعه با مخالفان آن است که پیش از هرگونه تقابل، با سعه صدر زمینه بیان دیدگاه‌ها و آزاداندیشی را فراهم کند، با تبیین عقلانی و اخلاقی به شبهات پاسخ دهد و تا زمانی که مخالفت به اقدام عملی علیه امنیت و نظم اجتماعی تبدیل نشده است، حقوق اجتماعی مخالفان را محترم بدارد؛ رویکردی که می‌تواند با تبدیل فضای تقابل به گفت‌وگو، زمینه هدایت فکری و تقویت همبستگی اجتماعی در جامعه را فراهم سازد.

مرحله دوم: روشننگری اندیشه مخالف

در قرآن کریم یکی از مهم‌ترین شیوه‌های الهی برای مواجهه با جریان‌های مخالف، «روشننگری مرحله‌به‌مرحله» است؛ روشی که نه با حذف اندیشه مخالف، بلکه با روشن‌سازی فضای فکری او آغاز می‌شود. خداوند در آغاز سوره بقره، نخست وضعیت باطنی منافقان را برای خود آنان و جامعه ترسیم می‌کند: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يُقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ»^[۶] یعنی گروهی می‌گویند ایمان آورده‌ایم، اما حقیقتاً ایمان ندارند. سپس مرحله دوم روشننگری را بیان می‌کند: «يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ مَا يُخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ وَ مَا

۴. رک: نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷؛ نامه ۱.

۵. رک: امام علی، صدای عدالت انسانی، ج ۳، ص ۱۳۴.

۶. بقره، آیه ۸.

۱. بقره، آیه ۲۵۶.

۲. نحل، آیه ۱۲۵.

۳. رک: تاریخ سیاسی اسلام، ص ۲۲۱.

اخلال می‌کردند، تا زمانی که دست به خشونت نزدند از امنیت، آزادی بیان و حق استفاده از بیت‌المال برخوردار بودند. امام با آنان احتجاج و گفت‌وگو می‌کرد و همین روشنگری باعث شد حدود هشت‌هزار نفر از آنان از صف خوارج جدا شوند. نمونه‌ای روشن، گفت‌وگوی حضرت پس از جنگ جمل با مردی بود که از علت کشته‌شدن طلحه و زبیر پرسید؛ حضرت با صبر ماجرا را شرح داد: «قَتَلُوا شِيعَتِي وَ عُمَالِي» و توضیح داد که حتی پیش از جنگ نیز پیشنهاد کرده بود اگر قاتلان را تحویل دهند از جنگ صرف‌نظر می‌کند، اما نپذیرفتند.^[۹] نمونه دیگر نامه حضرت به جریر بن عبدالله بجلی است که در آن با استناد به آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ»^[۱۰] حقیقت موضع طلحه و زبیر را روشن کرد و جریر پس از خواندن نامه، در منبر اعلام کرد که علی علیه السلام امین دین و دنیا است و مردم همدان را به بیعت با ایشان دعوت نمود.^[۱۱] این مجموعه نشان می‌دهد که در منطق قرآن و سیره علوی، مواجهه با مخالف باید با تبیین، گفت‌وگو، صبر و روشنگری آغاز شود، مراحل هشدار و استدلال را طی کند، و تنها در صورت تبدیل مخالفت به تهدید عملی وارد مرحله سخت شود. بر این اساس، اصل مواجهه امام‌جمعه با مخالف نیز باید مبتنی بر روشنگری مرحله‌ای باشد؛ ابتدا شنیدن و فهم دقیق سخن مخالف، سپس تبیین مستدل و اخلاقی، رفع شبهات، دعوت خیرخواهانه و در نهایت هدایت اجتماعی.

مرحله سوم: هدایت و جهت‌دهی مخالف

پس از تحقق مؤلفه «تبیین و روشنگری»، گام بعدی در منطق قرآن و سیره معصومان علیهم السلام تلاش برای «هدایت

يَشْعُرُونَ»^[۱] و در ادامه با هشدار شدیدتر می‌فرماید: «أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ».^[۲] این روند در آیات ۱۴-۱۲ ادامه می‌یابد و قرآن نشان می‌دهد که روشنگری باید تدریجی، مستدل و همراه با هشدارهای اخلاقی باشد تا مخالف بتواند مسیر درست را بفهمد. به همین جهت، محمّد عبده بر اساس همین آیات نتیجه می‌گیرد که جنگ‌های پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ماهیت سیاسی داشته است؛ زیرا دین حقیقی با خشونت پیش نمی‌رود.^[۳] اسلام در اصل هیچ‌گاه جنگ را ابزار اصلی هدایت معرفی نکرده است؛ بلکه به روشنی می‌فرماید: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»^[۴] و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را موظف می‌سازد که تنها یادآوری کند و سطهای برای اجبار ندارد: «فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ لَّسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ».^[۵] همچنین تأکید می‌کند که ایمان اگرهی ارزش ندارد: «أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ».^[۶] شیوه اصلی هدایت، بیان حکیمانانه و موعظه نیکو است: «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ»^[۷] و تنها زمانی که همه راه‌های دعوت نرم بسته شود، مرحله «مواجهه سخت» مطرح می‌شود: «جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنافِقِينَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ».^[۸] این الگو در سیره امیرالمؤمنین علیه السلام به‌صورت کامل دیده می‌شود. حضرت با وجود رویارویی با سه جریان خطرناک ناکثین، قاسطین و مارقین، هرگز اندیشه مخالف را سرکوب نکرد. خوارج که پس از صفین حضرت را تکفیر و در سخنرانی‌ها ایجاد

۱. بقره، آیه ۹.

۲. بقره، آیه ۱۲.

۳. الاعمال الکامله، ج ۵، ص ۳۹۶.

۴. بقره، آیه ۲۵۶.

۵. غاشیه، آیه ۲۱-۲۴.

۶. یونس، آیه ۹۹.

۷. نحل، آیه ۱۲۵.

۸. توبه، آیه ۷۳.

۹. رک: وقعة الصفین، ص ۵.

۱۰. رعد، آیه ۱۱.

۱۱. رک: انسان ۲۵۰ ساله، حلقه سوم، ص ۵۴۶.

اسلامی، اسیر جنگی با وجود آنکه در اختیار کامل فاتح قرار دارد، از حقوق انسانی برخوردار است و کرامت او نباید نادیده گرفته شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نخستین رویارویی بزرگ مسلمانان با قریش در جنگ بدر، اصولی انسانی برای رفتار با اسیران مقرر کرد که در تاریخ جنگ‌ها کم‌نظیر بود. از آن حضرت نقل شده است: «استوصوا بالأسارى خیراً»؛ یعنی با اسیران به نیکی رفتار کنید.^[۴] گیورگیو نیز این اقدام را نخستین آیین‌نامه انسانی در تاریخ جنگ‌ها می‌داند که برای اسیران وضع شده است.^[۵] این اصل در سیره امیرالمؤمنین علیه السلام نیز تداوم یافت؛ چنان‌که فرمود: «إطعام الأسیر و الإحسان إلیه حق واجب»؛ یعنی غذا دادن و خوش‌رفتاری با اسیر حق واجب است، حتی اگر فردا قرار باشد درباره او حکم دیگری اجرا شود. همچنین آن حضرت پیش از آغاز جنگ صفین به یاران خود سفارش کرد که جنگ را آغاز نکنند و اگر دشمن شکست خورد، فراریان را نکشند، مجروحان را از میان نبرند و به زنان دشمن آسیبی نرسانند.^[۶] این دستورات نشان می‌دهد که حتی در سخت‌ترین شرایط^[۷] نیز اخلاق و انسانیت در منطق اسلامی مقدم بر انتقام و خشونت است.

بر این اساس، در منطق مدیریت اجتماعی اسلام، مواجهه با مخالفان همواره دارای یک سیر تدریجی است: گفت‌وگو، مذاکره، روشن‌گری، موعظه، مدارا و تلاش برای هدایت؛ و تنها زمانی که این ابزارها بی‌اثر شود و مخالفت به اقدام براندازانه و تهدید امنیت اجتماعی تبدیل گردد، مرحله

مخالفان است. اسلام دینی است که پیش از هرگونه درگیری و خونریزی، همه راه‌های ممکن برای هدایت، گفت‌وگو و اصلاح را می‌پیماید. به تعبیر علامه طباطبایی، اگر اسلام در شرایط طبیعی خود قرار می‌گرفت و مورد تعرض واقع نمی‌شد، اساساً فرمان جنگ صادر نمی‌کرد و بسیاری از جنگ‌های تاریخ اسلام در حقیقت واکنشی به تحمیل دشمنان بوده است.^[۱] این رویکرد در سیره امیرالمؤمنین علیه السلام نیز به‌روشنی مشاهده می‌شود. آن حضرت در پاسخ به کسانی که تأخیر ایشان در آغاز جنگ را نشانه ترس یا تردید می‌پنداشتند، می‌فرماید: «فَوَ اللَّهُ مَا دَفَعْتُ الْخَرْبَ يَوْمَئِذٍ إِلَّا وَ أَنَا أَظْمَعُ أَنْ تُلْحَقَ بِي طَائِفَةٌ فَتَهْتَدِيَ بِي وَ تَعُشُّوْا إِلَى صُؤْبِي وَ ذَلِكَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَقْتُلَهَا عَلَى ضَلَالِهَا»؛^[۲] یعنی هیچ‌گاه جنگ را به تأخیر نینداختم مگر به امید آنکه گروهی از مخالفان هدایت شوند و نور حقیقت را ببینند و این برای من محبوب‌تر از آن است که آنان را در حال گمراهی بکشم. در جای دیگری نیز فرمان می‌دهد: «لَا تُقَاتِلْ إِلَّا مَنْ قَاتَلَكَ»؛^[۳] یعنی تا زمانی که دشمن آغازگر جنگ نشده است، وارد نبرد نشوید. این بیان نشان می‌دهد که در منطق علوی، حتی در شرایط تقابل سیاسی و نظامی نیز، اصل نخست دعوت به هدایت و بستن راه‌های عذر بر مخالفان است. به همین دلیل حضرت هرگز از موعظه، نصیحت و حتی دعا برای هدایت مخالفان پیش از جنگ دریغ نمی‌کرد؛ زیرا هدف اسلام نه کشورگشایی و نه حذف فیزیکی مخالفان، بلکه هدایت انسان به سوی ارزش‌های الهی است.

این نگاه هدایت‌محور حتی پس از پایان درگیری نیز ادامه دارد. در اندیشه

۴. رک: تاریخ طبری، ج ۴، ص ۴۶۰.

۵. رک: محمد، پیغمبری که از نو باید شناخت، ص ۲۴۶.

۶. رک: نهج البلاغه، نامه ۱۴.

۷. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۹۲.

۱. رک: المیزان، ج ۴، ص ۱۶۴.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۵۵.

۳. نهج البلاغه، نامه ۲۱.

داشته باشد؛ یعنی با ایجاد آرامش اجتماعی، تبیین ضرورت اجرای قانون، و جلوگیری از انحراف فکری و هیجانی مردم، زمینه اجرای صحیح و کم‌هزینه مواجهه سخت را برای نهادهای مسئول فراهم کند تا جامعه به سمت آشوب و تشدید برخوردهای قهری سوق داده نشود و از طرفی در رفع و دفع محورهای شرارت نقش راهبری و مدیریتی کلان را با هماهنگی مسئولان امر ایفا کند.

در این چارچوب، اصول مواجهه سخت در اسلام ناظر به شیوه‌هایی است که با هدف دفع خطر، برقراری نظم و پاسداشت امنیت عمومی اعمال می‌شود. این برخوردها بخشی از ابعاد سلبی و دفعی تربیت اسلامی هستند و همچون مواجهه نرم، نهایتاً در خدمت آگاهی، هدایت و بیداری جامعه قرار می‌گیرند. مهم‌ترین اقسام آن عبارت‌اند از:

۱. مقابله به مثل با مخالفان

یکی از اصلی‌ترین مبانی مواجهه سخت، قاعده عقلی و عقلایی مقابله به مثل است. این اصل نه تنها در عرف ملت‌ها و حقوق بین‌الملل پذیرفته شده، بلکه در قرآن کریم نیز مورد تأکید قرار گرفته است. خداوند می‌فرماید: «الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنِ اغْتَدَى عَلَیْكُمْ فَاغْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اغْتَدَى عَلَیْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ»^[۱]. این آیه بیان می‌کند که اسلام دین تعدی نیست؛ اما تجاوز دیگران را نیز بر نمی‌تابد. اگر مخالفی وارد فاز اقدام مسلحانه، خرابکارانه یا امنیتی شود، حاکمیت اسلامی نیز حق دارد مبتنی بر عدالت با او مقابله کند. با این حال، اصل مقابله به مثل به معنای رعایت حدود شرعی است نه تکرار عین رفتار دشمن؛ لذا مواردی مانند کشتن کودکان، مثله کردن،

برخورد سخت مطرح می‌شود. با توجه به این مبانی، اصل مواجهه امام‌جمعه با مخالفان در مدیریت راهبردی جامعه باید بر محور هدایت و اصلاح استوار باشد. امام‌جمعه به عنوان رهبر فکری و اخلاقی جامعه، پیش از هر اقدام تقابلی وظیفه دارد با تبیین عقلانی، دعوت خیرخواهانه، گفت‌وگو و ایجاد فضای اقتناع، زمینه بازگشت و اصلاح مخالفان را فراهم سازد. در این چارچوب، مدیریت او باید مبتنی بر صبر، سعه صدر، نصیحت دلسوزانه و حفظ کرامت انسانی مخالفان باشد تا حتی در فضای اختلاف نیز امکان هدایت و بازگشت فراهم گردد. تنها در شرایطی که مخالفت از سطح نقد و اعتراض عبور کرد و به اخلال در نظم عمومی و امنیت اجتماعی منجر شود، می‌توان از ابزارهای قاطع‌تر استفاده کرد؛ آن هم نه با هدف حذف، بلکه برای حفظ نظم اجتماعی و صیانت از مصالح عمومی جامعه.

اصول مواجهه سخت

از آنجایی که وظیفه امام‌جمعه بیش از هر چیز، ناظر به مدیریت فرهنگی، سیاسی و راهبری فکری جامعه است، طبیعی است که بخش اصلی مسئولیت او در چارچوب اصول مواجهه نرم تعریف می‌شود؛ اصولی مانند تبیین، اقتناع، گفت‌وگو، روشنگری و سامان‌دهی افکار عمومی.

از سوی دیگر، مواجهه سخت در جامعه اسلامی باید از مسیرهای قانونی، حقوقی و قضایی پیگیری شود و امام‌جمعه نقش اجرایی یا قضایی در این سطح ندارد. با این حال، از باب آنکه امام‌جمعه یکی از محورهای مدیریت کلان و هدایت راهبردی جامعه است، می‌تواند نقش تسهیل‌گر

۱. بقره، آیه ۱۹۴.

این اقدام در منطق اسلامی جزئی از مواجهه سخت محسوب می‌شود؛ زیرا باعث محدود شدن قدرت تخریبی مخالف و جلوگیری از تبدیل او به تهدید امنیت اجتماعی می‌گردد.

۳. خلع مسئولیت

سومین روش مواجهه سخت، برکناری مخالفان لجوج، فاسدان و دنیاطلبان از مناصب حکومتی است. برخی مدعی‌اند امیرالمؤمنین (علیه السلام) هرگز از افراد غیرهمسو استفاده نکرده است؛ اما واقعیت تاریخی نشان می‌دهد که ایشان از برخی افراد مانند شریح قاضی با وجود انتقادات صرفاً به دلیل مصلحت اجتماعی استفاده کرد؛ در عین حال، اشخاصی مانند معاویه یا برخی کارگزاران عثمانی را که ادامه فعالیتشان تهدید آفرین بود فوراً عزل کرد. معیار اصلی در این اصل، صلاحیت، خیر عمومی و جلوگیری از نفوذ جریان‌های معارض در ساختار حکومتی است. طلحه و زبیر نیز که به امید گرفتن حکومت بصره و کوفه بیعت کرده بودند، بار در خواستشان توسط امیرالمؤمنین (علیه السلام) مسیر دشمنی با آن حضرت را آغاز کردند.

در مجموع، مواجهه سخت، بخشی از نظام جامع تربیت اجتماعی اسلام است که تنها هنگامی فعال می‌شود که مواجهه نرم به نتیجه نرسد و امنیت، عدالت و نظم جامعه در معرض تهدید جدی قرار گیرد. نقش امام جمعه در این حوزه هدایت افکار عمومی، زمینه‌سازی برای اجرای قانون و جلوگیری از تبدیل اختلافات به بحران امنیتی است نه اقدام فوری و مستقیم اجرایی یا قضایی. این رویکرد سبب می‌شود هزینه‌های اجتماعی مواجهه سخت کاهش یابد و جامعه در مسیر عقلانیت، ثبات و عدالت حرکت کند.

یا آتش زدن اموال شخصی حتی اگر دشمن چنین کرده باشد جایز نیست. همچنین برخی رفتارها قابل مقابله به مثل نیست و باید به جبران خسارت یا احکام جایگزین سپرده شود. هدف اصلی این اصل، کیفر ظالم به اندازه ظلمش و جلوگیری از جسارت متجاوز است، نه توسعه خشونت. بدین ترتیب، اسلام رویکردی متوازن دارد، نه تسلیم طلبی مسیحیت تحریف‌شده را می‌پذیرد و نه انتقام‌محوری بی‌ضابطه را تأیید می‌کند.

۲. قطع بیت‌المال و زمینه‌های فعالیت

نوع دیگری از مواجهه سخت، محروم‌سازی مخالفان برانداز، مفسدان یا قدرت‌طلبان از امتیازات مالی یا بستری است که به آنان امکان فعالیت مخرب می‌دهد. در صدر اسلام، منشأ بیت‌المال عمدتاً غنائم جنگی بود که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با عدالت کامل میان مردم تقسیم می‌کرد. اما در دوره پس از ایشان، به‌ویژه در زمان خلیفه دوم و سوم، امتیازات ویژه‌ای برای برخی چهره‌ها ایجاد شد که آنان را به طبقه‌ای اشرافی و مطالبه‌گر تبدیل کرد. با آغاز خلافت امیرالمؤمنین (علیه السلام) ایشان اعلام کرد که بیت‌المال غارت‌شده را حتی اگر تبدیل به مهریه یا ملک شده باشد به صاحبان اصلی آن بازمی‌گرداند. این تصمیم موجب ناراحتی و سپس مخالفت سیاسی و نظامی طلحه و زبیر شد؛ کسانی که در دوره‌های قبل به ثروت‌های کلان و امتیازات فراوان دست یافته بودند.

بنابراین، قطع امتیازات مالی و

محدودسازی منابع فعالیت

مخالفان با واسطه‌گری غیر

مستقیم امام جمعه، نه از سر

انتقام، بلکه برای جلوگیری از

فساد ساختاری و بازگشت عدالت

اجتماعی است.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین الگوی کنشگری و مواجهه امام جمعه با جریان‌های مخالف، بر پایه‌ی انگاره‌های اصیل حکمرانی ولایی در سیره‌ی تربیتی و مدیریتی نبوی و علوی به سامان رسید. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که جایگاه امام جمعه در ساختار سیاسی-اجتماعی، فراتر از یک مقام تشریفاتی، به عنوان «راهبر اجتماعی» و «کارگزار حکمرانی محلی» بازتعریف می‌شود. بر این مبنا، کارآمدی در هدایت جامعه مستلزم برخورداری از یک نظام‌واره‌ی شناختی دقیق نسبت به جبهه‌ی مخالفان است.

در سطح تحلیل استراتژیک، ضرورت دارد امام ابتدا به تفکیک ماهوی میان «مخالفان عقیدتی» و «مخالفان در مقام عمل» بپردازد. این گونه‌شناسی در سه لایه‌ی کلان شامل «جبهه‌ی استکبار» (دشمن خارجی)، «جریان نفاق» (دشمن داخلی پنهان) و «ضعیف‌الایمان‌ها» (توده‌های متزلزل) فصل‌بندی می‌شود. کنشگری این گروه‌ها نیز در پیوستاری از رفتارهای «اعتزالی»، «اعتراضی» و در نهایت «اغتشاش‌گری» تبلور می‌یابد که هر یک مستلزم واکنشی متناسب در تراز مدیریت اسلامی است. بخش محوری یافته‌های این پژوهش، ارائه‌ی مدل مواجهه‌ی ترکیبی (نرم و سخت) است. در حوزه‌ی مواجهه‌ی نرم که برآمده از سیره‌ی تربیتی است، اصولی همچون «مدارای راهبردی»، «جهاد تبیین» و «روشنگری هدایت‌محور» به عنوان ابزارهای بازتولید سرمایه‌ی اجتماعی و جذب حداکثری معرفی می‌شوند. در مقابل، در لایه‌ی مواجهه‌ی سخت، امام جمعه در نقش تسهیل‌گر قدرت حاکمیتی، با اتکا به استراتژی‌های «مقابله به مثل»، «خلع مسئولیت از مهره‌های نفوذی» و «انسداد منابع مالی و بسترهای فعالیت معاندین»، به صیانت از نظم عمومی و اقتدار نظام سیاسی می‌پردازد.

در نهایت، الگوی استخراج شده نشان می‌دهد که موفقیت در حکمرانی نبوی و علوی، در گروی ایجاد تعادل هوشمندانه میان «حلم و مدارای مدیریتی» در برابر توده‌ها و «قاطعیت حاکمیتی» در برابر معاندین ساختارشکن است. این مدل، امام جمعه را از یک مبلغ صرف به یک مدیر بحران و راهبر معنابخش در میانه‌ی منازعات اجتماعی ارتقا می‌دهد که هدف غایی آن، تثبیت ارکان جامعه‌ی اسلامی و هدایت جریان‌های مخالف به سمت صلاح و فلاح ملی است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، محمد بن محمد مفید، قم، کنگره‌ی شیخ مفید، ۱۴۱۳.
۴. اصول سیاسی اسلام، محمدتقی جعفری، حکمت، تهران، بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۶۹.
۵. الاعمال الکامله، محمد عبده، تحقیق محمد عماره، القاهرة، دارالشروق، ۱۴۱۴ ق.
۶. امام علی، صدای عدالت انسانی، جرج جرداق، ترجمه‌ی هادی خسروشاهی، قم، نشر خرم، ۱۳۷۵.
۷. انسان ۲۵۰ ساله، سیدعلی خامنه‌ای، تهران، صهبا و مؤسسه‌ی ایمان جهادی، ۱۳۹۸.
۸. آینده‌ی نظام بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، منوچهر محمدی، تهران، اداره‌ی نشر وزارت امور خارجه، ۱۳۹۰.
۹. تاریخ الطبری (تاریخ الرسل و الامم و الملوک)، محمد بن جریر طبری، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث، ۱۳۸۷.
۱۰. تاریخ سیاسی اسلام، حسن ابراهیم حسن، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران، جاویدان، ۱۳۷۶.

۱۱. تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، غلامرضا نجاتی، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۸.
۱۲. التحقيق في كلمات القرآن الكريم، حسن مصطفوی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
۱۳. تفسیر الصافی، محمّد بن شاه مرتضی فیض کاشانی، تهران، مکتبه الصدر، ۱۳۷۳.
۱۴. جریان شناسی فکری-سیاسی صدر اسلام، جواد سلیمانی، قم، وثوق، ۱۳۹۵.
۱۵. الخلاف، محمّد بن حسن طوسی، قم، جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
۱۶. دشمن شناسی (شناخت دشمن و روش های مقابله با آن از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی)، سید امیر پور فاضلی، تهران، انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴.
۱۷. دولت عقل، ده گفتار در فلسفه و جامعه شناسی سیاسی، حسین بشیریه، تهران، علوم نوین، ۱۳۷۴.
۱۸. السيرة النبوية لابن هشام، عبد الملك ابن هشام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۵ م.
۱۹. سیره پیامبر ﷺ در برابر مخالفان از زبان قرآن، علی محمد یزدی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۰. سیره نبوی، مصطفی دلشاد تهرانی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲.
۲۱. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، تحقیق محمّد عبد الکریم النمری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ق.
۲۲. صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (علیه السلام)، روح الله خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (علیه السلام)، ۱۳۸۹.
۲۳. العین، خلیل بن احمد فراهیدی، قم، هجرت، ۱۴۰۹ ق.
۲۴. الغارات، ابراهیم بن محمّد ثقفی، تحقیق جلال الدین محدث، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۹۵ ق.
۲۵. فرهنگ فارسی معین، محمّد معین، با اهتمام عزیزاله علی زاده و محمود نامنی، تهران، نامن، ۱۳۸۶.
۲۶. الکافی، محمّد بن یعقوب کلینی، تحقیق علی اکبر غفاری و محمّد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۲۷. کیف نجمع شمل المسلمین؟، سید محمّد حسینی شیرازی، بیروت، مؤسسه المجتبى، ۱۴۲۴ ق.
۲۸. لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۲۹. مجاهدین خلق در آیین تاریخ، علی اکبر راستگو، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴.
۳۰. مجمع البحرين، فخرالدین طریحی، قم، مؤسسه البعثة، ۱۴۱۴ ق.
۳۱. محمّد، پیغمبری که از نو باید شناخت، کنستانتین ویرزیل گیورگیو، ترجمه ذبیح الله منصوری، تهران، زرین، ۱۳۸۰.
۳۲. مروج الذهب و معادن الجوهر، علی بن حسین مسعودی، تحقیق یوسف اسعد داغر، قم، دارالهجره، ۱۴۰۹ ق.
۳۳. المعجم البسيط، فرهنگ عربی به فارسی، ناصر علی عبدالله، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۷۷.
۳۴. معجم مقاییس اللغة، احمد ابن فارس، تحقیق عبد السلام هارون، بیروت، دارالجليل، ۱۴۱۱ ق.
۳۵. مفردات الفاظ قرآن، حسین بن محمّد راغب اصفهانی، تحقیق صفوان عدنان داودی، دمشق، دارالقلم، ۱۴۱۸ ق.
۳۶. مقاله اصول اخلاقی و تربیتی برخورد با دشمنان در سیره امیرمومنان (علیه السلام)، اکرم احمدیان و عباسعلی فراهی، آموزه های تربیتی در قرآن و حدیث، ش ۱، ۱۳۹۴.
۳۷. مقاله اصول و روش های تربیتی مواجهه با مخالفان در اخلاق ارتباطی امام علی (علیه السلام)، علی لطیفی و محمّد حسین ظریفیان یگانه، پژوهش نامه اخلاق، ش ۱۵، ۱۳۹۱.

۳۸. مقاله‌ی الگوی مطلوب سیاست گذاری مدارادر جمهوری اسلامی ایران، ابراهیم برزگر و مصطفی بیات، رهیافت انقلاب اسلامی، ش ۳۵، ۱۳۹۵.
۳۹. مقاله‌ی بررسی نقش سازمان منافقان در جنگ ایران و عراق، عباس افلاطونی، نگین ایران، ش ۲۸، ۱۳۸۸.
۴۰. مقاله‌ی بنیادهای اخلاقی جمهوری اسلامی؛ بررسی موردی نوع برخورد با مخالفان، علی‌اکبر علیخانی، دین و ارتباطات، ش ۲۲، ۱۳۸۳.
۴۱. مقاله‌ی تعامل با مخالفان در اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی رحمته‌الله علیه، محمد احسانی، اندیشه‌ی سیاسی در اسلام، ش ۵، ۱۳۹۴.
۴۲. مقاله‌ی شیوه‌های اجتماعی سیاسی امیرمومنان علیه السلام در جهت جذب و هدایت مخالفان، کاوس روحی برزندق و صالح قربانیان، پژوهش‌نامه‌ی علوی، ش ۱، ۱۳۹۶.
۴۳. مقاله‌ی عفو در قرآن کریم، اصغر افتخاری و روح اله فرهادی، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ش ۳، ۱۳۹۱.
۴۴. مقاله‌ی کاربست گفتمان کاوی در تحلیل مفاهیم استضعاف و استکبار، سیدکاظم طباطبایی و سمیه طاهری، مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، ش ۹۵، ۱۳۹۴.
۴۵. المیزان فی تفسیر القرآن، محمدحسین طباطبایی، قم، جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۴۱۷ ق.
۴۶. وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، محمد بن حسن حرعاملی، تحقیق ابوالحسن شعرانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ ق.
۴۷. وقعة الصفین، نصر بن مزاحم منقری، تحقیق عبدالسلام محمدهارون، قم، منشورات مکتبه المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.